



تلاوت روزی یک جزء از
قرآن
الجزء ۱۹
Qur'an
Reciting one Juz' a day from

جزء ١٩ - صفحه ٣٦٢ تا صفحه ٣٨١

الجزء التاسع عشر - الصفحة ٣٦٢ إلى الصفحة ٣٨١

Juz' (Part) 19 - Page 362 to Page 381

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا

و آنان که امید لقای ما را ندارند (و به قیامت معتقد نیستند)

Those who do not expect to meet Us say:

لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةَ

گویند: چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند؟

"Why aren't angels sent down to us,



أَوْ نَرَى رَبَّنَا ط

یا چرا ما خدا را به چشم نمی بینیم (تا در ایمان، به رسول محتاج نباشیم)؟
or we are allowed to see our Lord?"

لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ

همانا آنان در حق خویش راه تکبر و نخوت پیش گرفتند
They act too proud of themselves,



وَعْتَوْا كِبِيرًا



و به سرکشی و طغیانی شدید شتافتند. (۲۱)
and strut around quite insolently! (21)

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى

روزی که فرشتگان را ببینند مجرمان در آن روز
Some day they shall see the angels!



يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ

بشارتی (از فرشته) نیابند

There will be news for criminals on that day

۲۲

وَيَقُولُونَ حَبْرًا مَّحْجُورًا

و به آنها گویند: محروم و ممنوع (از لقاء رحمت و جنت خدا) باشید. (۲۲)

and they will say: "Oh, for a stonewall built to protect [us]!" (22)

وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ

و ما توجه به اعمال (فاسد بی خلوص و حقیقت) آنها کرده

We shall advance upon whatever action they have performed

فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مُنثُورًا

۲۳

و همه را (باطل و نابود، چون) غباری پراکنده می گردانیم. (۲۳)

and turn it into scattered dust. (23)



أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ

اهل بهشت در آن روز مسکن و مقری بهتر

The inhabitants of the Garden will have the best residence

مُسْتَقْرًا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا

۲۴

و آرامش و خوابگاهی نیکوتر خواهند داشت. (۲۴)

and finest lodging on that day, (24)



۹
وَيَوْمَ تَشَقُّ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ

و (یاد کن) روزی که آسمان با ابر از هم شکافته
on a day when the sky will split open along with its clouds,

وَنْزِلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا ۲۵

و فرشتگان با سرعت تمام (به امر حق) فرود آیند. (۲۵)
and the angels will be sent right on down. (25)



۱۰
الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ اِلْحَقُ لِلرَّحْمٰنِ وَكَانَ

پادشاهی به حق در آن روز خاص خدای رحمان است،

True control will belong to the Mercy giving on that day.

۲۶

يَوْمًا عَلٰى الْكٰفِرِيْنَ عَسِيْرًا

و بر کافران روز بسیار سختی خواهد بود. (۲۶)

It will be a harsh day for disbelievers, (26)



وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ

و روزی که شخص ظالم پشت دست حسرت به دندان گرفته و گوید: ای کاش
a day when the wrongdoer will gnaw away at his hands. He will say: "It's

يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

من (در دنیا) با رسول حق، راهی (برای دوستی و طاعت) پیش می‌گرفتم. (۲۷)
too bad for me! If I had only taken a pathway alongside the Messenger! (27)

يَا وَيْلَتِي لَيْتَنِي

وای بر من، ای کاش
It's too bad for me!

لَمْ آتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ۲۸

که فلان (مرد کافر و رفیق فاسق) را دوست نمی‌گرفتم. (۲۸)
If I had not adopted So-and-So as a close friend! (28)



لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ

رفاقت او مرا از پیروی قرآن پس از آنکه به من رسید

He led me astray from the Reminder even

بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ط

محروم ساخت و گمراه گردانید،

after it had reached me.



وَكَانَ الشَّيْطَانُ

آری شیطان
Satan is such

۲۹ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا

برای انسان مایه خذلان (و گمراهی) است. (۲۹)
a turncoat with man." (29)



وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ

در آن روز رسول (به شکوه از امت در پیشگاه رب العزه) عرض کند: بارالها

The Messenger will say: "My Lord,

قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا

(تو آگاهی که) امت من این قرآن را به کلی متروک و رها کردند. (۳۰)

my folk assume this Reading is out-of-date. (30)



وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا

و همچنین ما برای هر پیغمبری

Thus have We granted

لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ ط

دشمنی از جنس بدکاران (امّتش) قرار دادیم،

every prophet an enemy among criminals.



وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَنَصِيرًا ﴿٣١﴾

و تنها خدای تو برای هدایت و نصرت و یاری تو کفایت است. (۳۱)
Yet your Lord suffices as a Guide and Supporter. (31)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

و باز (کافران جاهل) به اعتراض گفتند
Those who disbelieve say:



لَوْلَا نَزَّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ

که چرا این قرآن (اگر از جانب خداست) یک جا
 "Why has not the Qur'an been sent down to him

جُمْلَةً وَاحِدَةً

برای رسول نازل نشد؟
 in one single piece?"



كَذٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهٖ فُؤَادَكَ ۙ

ما آن را این چنین فرستادیم تا (تدریجاً) تو را به آیات آن، دل آرام کنیم و اطمینان قلب دهیم
 [It has been done] like that so your vitals may be braced by it;

وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً ۙ

۳۲

و (بدین سبب) آیات آن را بر تو مرتب، به ترتیبی روشن و به آهستگی بر خواندیم. (۳۲)
 We have phrased it deliberately. (32)



۲۰
وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ

و کافران بر تو هیچ مثل (باطل و اعتراض ناحق) نیاورند مگر آنکه ما
They will not come to you with any example unless We will bring you

وَأَحْسَرَ تَفْسِيرًا
۳۳

در مقابل برای تو سخن حق را با بهترین بیان، پاسخ آنها آریم. (۳۳)
the Truth and something even finer as a commentary. (33)



الَّذِينَ يُجْشَرُونَ

آنان که به رو
Those who are

عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ

به سوی آتش دوزخ برنندشان،
dragged off face down to Hell



أُولَئِكَ شَرُّ مَكَانًا

به بدترین مکان شتافته
will be in a worse plight

وَأَضَلُّ سَبِيلًا

۳۴

و سخت‌ترین راه ضلالت یافته‌اند. (۳۴)
and farthest off the track. (34)



وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ

و همانا ما به موسی کتاب (تورات) را عطا کردیم

We gave Moses the Book,

۳۵

وَجَعَلْنَا مَعَهُ وَ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا

و برادرش هارون را وزیر او قرار دادیم. (۳۵)

and placed Aaron alongside him as a helpmate. (35)



فَقُلْنَا اذْهَبْ اِلَى الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا

آن گاه گفتیم که رو به جانب آن قوم که آیات ما را تکذیب کردند روید.

We said: "Go off to a folk who have denied

۳۶

بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا

پس آنها را (پس از تکذیب آن دو) سخت هلاک گردانیدیم. (۳۶)

Our signs." We utterly destroyed them! (36)



وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ

و نیز قوم نوح چون رسولان حق را تکذیب کردند
So when Noah's folk rejected the messengers,

أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِّلنَّاسِ ءَايَةً

ما آنها را به طوفان هلاک سپردیم و آیت عبرت مردم ساختیم،
We let them drown and set them up as a sign for mankind.



وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ

و برای ستمکاران

We reserve painful torment

عَذَابًا أَلِيمًا ۳۷

عذاب دردناک مهیا گردانیده ایم. (۳۷)

for wrongdoers (37)



وَعَادًا وَثَمُودًا وَأَصْحَابَ الرَّسِّ

و نیز قوم عاد و ثمود و اصحاب رسّ (شاید قوم شعیب اند که نزد چشمه یا چاه آبی که رسّ نامند
such as 'Ad and Thamud and the companions at the Well

وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا

۳۸

منزل داشتند) و طوایف دیگر بسیاری بین اینها همه را به کیفر کردارشان هلاک کردیم. (۳۸)
and many generations in between. (38)



وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ ز

و ما برای هر یک از این طوایف مثلها (و پندها برای هدایت

We have made up parables for each,

وَكُلًّا تَبَرْنَا تَتْبِيرًا ۳۹

و اتمام حجت) زدیم و همه را به کلی هلاک ساختیم. (۳۹)

and each We followed up with doom. (39)



وَلَقَدْ آتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي

و همانا این کافران آمدند و دیدند آن دیار (قوم لوط) را

They have come to the town on which

أَمْطَرَتْ مَطْرَ السَّوِّءِ

که بر آن باران عذاب و هلاکت ببارانیدیم،

an evil rain poured down.



أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا ج

آیا اینان به چشم خود دیار خراب آنها را ندیده‌اند؟

Had they not seen it?

بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا ٤٠

(آری دیدند) و لیکن امید و بیمی از قیامت و کیفر ندارند. (۴۰)

Indeed they had not expected to be reborn. (40)



وَإِذَا رَأَوْكَ إِذَا يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا

این کافران هر گاه تو را ببینند (از حسد) کاری ندارند جز آنکه تو را تمسخر کرده
Whenever they see you, they merely treat you as a laughingstock:

أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا

۴۱

(و گویند) آیا این مرد همان است که خدا به رسالت بر خلق فرستاده؟ (۴۱)
"Is this the person whom God has sent as a messenger? (41)

إِنْ كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ آلِهَتِنَا

نزدیک بود که او ما را اگر بت پرستی خود پایدار نبودیم

He almost led us away from our gods,

لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا

به کلی گمراه کند و از پرستش خدایانمان باز دارد.

if we had not acted so patient towards them."



وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ

و (این مشرکان که از جهل، توحید را گمراهی خواندند) چون عذاب حق را

They will know who is furthest off

يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلَّ سَبِيلًا

مشاهده کنند خواهند دانست که گمراه‌تر از آنها در عالم نیست. (۴۲)

the track when they see the torment! (42)



أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ

آیا دیدی حال آن کس را که (از غرور) هوای نفسش را خدای خود ساخته؟
Have you seen someone who has taken his own passion as his God?

۴۳

أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلاً

آیا تو حافظ و نگهبان او (از هلاکت) توانی شد؟ (۴۳)
Would you act as a trustee for him? (43)



أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ

یا پنداری که اکثر این کافران حرفی می شنوند یا فکر

Or do you reckon that most of them do hear

أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ

و تعقلی دارند؟ اینان (در بی عقلی) بس مانند چهار پایانند

or even use their reason? They are just like livestock indeed,



بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا^ع

۴۴

بلکہ (نادان تر و) گمراہ ترند. (۴۴)

they are even further off the track! (44)

أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ

آیا ندیدی کہ خدای تو چگونه سایه را

Have you not seen how your Lord lengthens shadows?



وَلَوْ شَاءَ جَعَلَهُ سَاكِنًا

با آنکه اگر خواستی ساکن کردی (بر سر عالمیان) بگسترانیدی؟
If He so wished, He would make them stand still.

ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا

آن گاه آفتاب را بر آن دلیل قرار دادیم. (۴۵)

Then We placed the sun as an indicator for them; (45)





ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا

سپس ظلّ آن آفتاب (منبسط) را به سوی خود تدریجاً قبض می‌کنیم. (۴۶)

next We gradually pulled them toward Us. (46)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الَّيْلَ لِبَاسًا

و او خدایی است که شب را برای شما لباس گردانید

He is the One Who has placed night as a garment for you,



وَالنُّوْمَ سُبَاتًا

(تا همه در سیاه‌جامه شب مستور شوید) و خواب را مایه سکون و آرامش
and sleep for repose;

وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا



شما قرار داد و روز روشن را برای جنبش و کار مقرر داشت. (۴۷)
He makes daytime for rising again. (47)



وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ

و او خدایی است که بادهای را برای بشارت
He is the One Who has sent the winds

بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ

پیشاپیش باران رحمت خود فرستاد،
as heralds announcing His mercy.



وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ

و از آسمان آبی طاهر و مطهر

We send pure water down

مَاءً طَهُورًا



نازل کردیم. (۴۸)

from the sky, (48)



لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ

تا به آن باران، زمین خشک و مرده را زنده سازیم و آنچه آفریدیم
so We may bring life to a dead land, and let everything We have

مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْ آسَى كَثِيرًا

۴۹

از چهارپایان و آدمیان بسیار، همه را از آن سیراب گردانیم. (۴۹)
created drink from it, such as livestock and men aplenty. (49)



وَلَقَدْ صَرَّفْنَا هُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا

و ما تغییرات و گردش باد و باران (و سایر انقلابات عالم) را بین مردم آوردیم تا پند گرفته

We have spelled it out for them so they may bear it in mind;

فَإِنِّي أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كَفُورًا

۵۰

و متذکر حق شوند، لیکن اکثر مردم جز راه کفران و جحود پیش نگرفتند. (۵۰)

yet most men refuse [to do] anything except disbelieve (in it). (50)

وَلَوْ شِئْنَا

و اگر ما می خواستیم در بین مردم هر قریه
If We had so wished,

لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا

۵۱

پیغمبری که (خلق را از عذاب خدا) بترساند می فرستادیم. (۵۱)
We might have despatched a warner into every town. (51)



فَلَا تُطِيعُوا الْكٰفِرِيْنَ

پس تو هرگز تابع کافران مباش و با آنها چنان که

Do not obey disbelievers



وَجَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا

مخالفت قرآن و دین حق کند، سخت جهاد و کارزار کن. (۵۲)

and struggle seriously with them concerning it. (52)



وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ

و او خدایی است که دو دریا را به هم درآمیخت
 He is the One Who has cut off both seas,

هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ

که این، آب گوارا و شیرین و آن دیگر، شور و تلخ است،
 this one being sweet, fresh, while the other is salty, briny.



وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا

و بین این دو آب (در عین به هم آمیختن) واسطه
He has placed an isthmus in between them

وَحِجْرًا مَحْجُورًا ٥٣

و حایلی قرار داد که همیشه از هم منفصل و جدا باشند. (۵۳)
plus a barrier to block them off. (53)



وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا

و او خدایی است که از آب (نطفه) بشر را آفرید
He is the One Who created humanity out of water;

فَجَعَلَهُمْ نَسَبًا وَصِهْرًا

و بین آنها خویشیِ نسب و بستگی ازدواج قرار داد،
and He has granted them blood ties as well as in-laws.



وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا

۵۴

و خدای تو (بر هر چیز) قادر است. (۵۴)
Your Lord has been so Capable! (54)

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ

و (این مشرکان نادان) به جای خدا،
Yet instead of God they worship



مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ

بتهایی که هیچ سود و زیانی به حال آنان ندارد می‌پرستند،
something that neither benefits nor hurts them.

وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا



و کافر پشت به امر پروردگار خود می‌کند. (۵۵)

The disbeliever will be a backer [for anything] against his Lord! (55)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ

و ما تو را نفرستادیم مگر برای آنکه

We have only sent you

إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

۵۶

(خلق را به رحمت ما) بشارت دهی و (از عذاب ما) بترسانی. (۵۶)

as a herald and a warner. (56)



قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا

بگو: من از شما امت، مزد رسالت نمی خواهم، اجر من همین بس

SAY: "I do not ask you for any payment for it except

مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ۝۵۷

که هر که بخواهد (از پی من) راهی به سوی خدای خود پیش گیرد. (۵۷)

that anyone who wishes to may accept a way unto his Lord. (57)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي

و تو بر خدای زندهٔ ابدی که هرگز نمیرد، توکل کن

Rely on the Living One Who

لَا يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ

و به ستایش ذات او، وی را تسبیح و تنزیه گو،

never dies. Hymn His praise!



وَكَفَىٰ بِهِ

و هم او که به گناه بندگانش کاملاً آگاه است

Sufficient is it for Him

بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا

۵۸

کفایت است (هر که را بخواهد می‌بخشد و هر که را بخواهد مؤاخذه می‌کند). (۵۸)

to be Informed about His servants' offences, (58)



الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

آن خدایی که آسمانها و زمین و هر چه

since He is the One Who created Heaven and Earth

وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ

در بین آنهاست همه را در شش روز بیافرید

as well as whatever lies in between them, in six days.



ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ج

آن گاه همین خدای رحمان بر عرش (قدرت و فرمانروایی) قرار گرفت،
Then the Mercy-giving mounted on the Throne.

الرَّحْمٰنُ فَسْئَلُ بِهِ خَبِيرًا ۵۹

پس از خداشناسی آگاه، حقیقت را بازجو. (۵۹)
Ask any informed (person) about Him." (59)



وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ

و چون به این مردم کافر گفته شود بیا بید خدای رحمان را سجده کنید،
When they are told: " Bow down on your knees before the Mercy-giving,"

قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ؟

در جواب گویند: خدای رحمان چیست؟
they say: "What is the Mercy-giving?"



أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا

آیا ما به آنچه تو امر می کنی سجده کنیم؟

Are we to bow down on our knees just because you order us to?"

سجده مستحب

وَزَادَهُمْ نُفُورًا



و دعوت به خدای یکتا (به جای اطاعت) بر نفرتشان بیفزاید. (۶۰)

It merely increases their disdain. (60)



تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا

بزرگوار آن خدایی که در آسمان برجها مقرر داشت

Blessed is the One Who has placed constellations in the sky

وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ۶۱

و در آن چراغ روشن خورشید و ماه تابان را روشن ساخت. (۶۱)

and set a beacon in it, plus a shining moon! (61)



٦٠
وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً

و او خدایی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای آن کس
He is the One Who has granted night and daytime in succession for

لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا
٦٢

که خواهد به شب یا روز متذکر (خدا) شود یا شکر او به جای آرد. (٦٢)
anyone who wants to reflect (on it) or wants [to show] gratitude, (62)

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ

و بندگان خاص خدای رحمان آنان هستند
and the Mercy-giving's servants

يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا

که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه روند
who walk modestly on Earth



وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ

و هر گاه مردم جاهل به آنها خطاب (و عتابی) کنند
and peacefully say: "How do you do!"

قَالُوا سَلَامًا

۶۳

با سلامت نفس (و زبان خوش) جواب دهند. (۶۳)
whenever ignorant men address them; (63)



وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ

و آنان هستند که شب را به سجده و قیام نماز
who spend the night bowing down on their knees

سُجَّدًا وَقِيَامًا ٦٤

در برابر خدایشان روز کنند. (۶۴)
and standing before their Lord; (64)



وَالَّذِينَ يَقُولُونَ

و آنان هستند که دایم (به دعا و تضرع) گویند:
and who say:

رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ

پروردگارا عذاب جهنم را از ما بگردان،
"Our Lord, ward off Hell's torment from us!"





إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

که سخت عذاب مهلک و دائمی است. (۶۵)

Its torment is atrocious; (65)



إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

که آنجا بسیار بد قرارگاه و بد منزلگاهی است. (۶۶)

it is such an evil residence and station;" (66)



وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا

و آنان هستند که هنگام انفاق (به مسکینان) اسراف نکرده
 who when they spend, give neither too lavishly

وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا

و بخل هم نورزند، بلکه احسان آنها در حد میانه و اعتدال باشد. (۶۷)
 nor yet hold back, and keep to a happy medium; (67)



وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

و آنان هستند که با خدای یکتا کسی را شریک نمی خوانند
 who do not appeal to any other deity besides God [Alone];

وَلَا يَقْتُلُونَ

و نفس محترمی را که خدا حرام کرده
 nor kill any soul whom God has forbidden [them to]



حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ ج

جز به حق به قتل نمی‌رسانند، و هرگز گرد عمل زنا نمی‌گردند،
except through [due process of] law; nor misbehave sexually.

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ۶۸

که هر که این عمل کند کیفر گناهش را خواهد دید. (۶۸)

Anyone who does so will incur a penalty. (68)



يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

عذابش در قیامت مضاعف شود

Torment will be doubled for him on Resurrection Day

وَيَجْلُدُ فِيهِ مُهَانًا ۶۹

و با ذلّت و خواری به دوزخ مخلّد گردد. (۶۹)

and he will remain disgraced for ever in it, (69)



إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ

مگر آن کسانی که از گناه توبه کنند
except for someone who repents and believes,

وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا

و عمل صالح به جای آرند،
and acts in an honorable manner.



فَأُولَئِكَ

پس خدا

God will replace

يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ط

گناهان آنها را بدل به حسنات گرداند،

their evil deeds with fine ones,



وَكَانَ اللَّهُ

و خداوند
since God

غَفُورًا رَحِيمًا ٧٠

بسیار آمرزنده و مهربان است. (٧٠)
is Forgiving, Merciful. (70)



وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَاحِحًا

و هر کس توبه کند و نیکوکار شود

Anyone who repents and acts honorably

فَإِنَّهُ **وَيَتُوبُ إِلَى اللَّهِ** مَتَابًا **(۷۱)**

البته توبه‌اش به درگاه (قبول) خدا خواهد رسید. (۷۱)

should turn to God in repentance, (71)



وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ

و آنان هستند که به ناحق شهادت ندهند و هر گاه
and those who will not bear false witness, and when they pass

وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ۗ

به عمل لغوی (از مردم غافل) بگذرند بزرگوارانه از آن درگذرند. (۷۲)
by [people] gossiping, pass by in a dignified manner, (72)



وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ

و آنان هستند که هرگاه به آیات خدای خود متذکرشان سازند، کرو کورانه در آن آیات ننگرند
who whenever they are reminded of their Lord's signs,

لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا

(بلکه با دل آگاه و چشم بینا مشاهده آن کنند تا بر مقام معرفت و ایمانشان بیفزایند). (۷۳)

do not fall down deaf and blind [when thus reminded] of them; (73)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ

و آنان هستند که گویند:
and [rather] who say:

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا

پروردگارا، ما را زنان و فرزندانِ مرحمت فرما

"Our Lord, bestow the comfort of our eyes on us



وَذُرِّيَاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ

که مایه چشم روشنی ما باشند،
in our spouses and our offspring.

۷۴

وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا

و ما را (سر خیل پاکان و) پیشوای اهل تقوا قرار ده. (۷۴)
"Make us a model for those who do their duty." (74)



أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا

چنین بندگان را به پاداش صبرشان (در راه عبادت)، عالی غرفه های جنت

Those will be rewarded with the Mansion because they have been so patient,

وَيَلْقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا

و قصرهای بهشتی دهند و در آنجا با تحیت و سلام روبرو شوند. (۷۵)

and welcomed there with greetings as well as "Peace [be on you]!", (75)

خَالِدِينَ فِيهَا ج

در حالی که در آن بهشت که
to live there for ever.



حَسَنَاتٌ مُّسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

بسیار نیکو منزل و مقامی است، تا ابد مخلص و متنعم خواهند بود. (۷۶)
How fine is such a residence and status! (76)



قُلْ مَا يَعْـبُـؤُـا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ

بگو که اگر دعای شما (وناله و زاری و توبه شما) نبود خدا به شما چه توجه و اعتنایی داشت؟
SAY: "My Lord will never care about you unless you appeal to Him. Yet

فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا

که شما کافران (آیات حق را) تکذیب کردید و به کیفر همیشگی آن گرفتار خواهید شد. (۷۷)
since you have rejected [Him], something else will be necessary. (77)

﴿ سُورَةُ الشُّعَرَاءِ ﴾

سوره ۲۶ - ۲۲۷ آیه - مکی

Surah 26: (Ash-Shu'ara)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



طسّم ﴿١﴾

طسّم (اسراری است بین خدا و رسول) (۱)

T.S.M (1)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾

این قرآن آیات کتاب روشن خداست. (۲)

These are verses from the Clear Book. (2)



لَعَلَّكَ بِأَخَعُ نَفْسِكَ

(ای رسول ما) تو چنان در اندیشه هدایت خلقی که خواهی

Perhaps you are fretting your soul away

أَلَا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ



جان عزیزت را از غم اینکه ایمان نمی آورند هلاک سازی! (۳)

because they are not believers. (3)



إِنْ نَشَاءُ نُنزِلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً

ما اگر بخواهیم، از آسمان آیت قهری نازل گردانیم

If We so wished, We might send a sign down to them from Heaven



فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ

که همه به جبر، گردن زیربار (ایمان به) آن فرود آرند. (۴)

so they would bow their heads submissively before it. (4)



وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمَنِ

و (وای بر اینان که) هیچ آیت و ذکر تازه‌ای از خدای رحمان

No Reminder ever comes to them as a renewal

مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ﴿٥﴾

بر آنها نیاید جز آنکه از آن اعراض می‌کنند. (۵)

from the Mercy-giving except they shun it. (5)



فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَاتِيهِمْ أَنْبَاءُ

همانا این کافران آیات خدا را تکذیب کردند و به زودی
They have just rejected [it], so news of what

مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

خبر آنچه بدان استهزاء می کنند به آنان خواهد رسید. (۶)
they have been ridiculing will soon come to them. (6)



أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا

آیا در زمین به دیدهٔ عبرت نظر نکردند که ما
Have they not looked at the Earth [to see]

فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿٧﴾

چه انواع گوناگون از نباتات پر سود از آن برویانیدیم؟ (۷)
how many generous species We have grown on it? (7)



إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ز

همانا در این کار آیتی (از لطف و رحمت و علم و قدرت خدا بر هوشمندان)

In that is a sign;

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۸

آشکار است و باز اکثر اینان ایمان نمی آورند. (۸)

though most of them are not believers. (8)



وَإِنَّ رَبَّكَ

و همانا پروردگار تو
Yet your Lord

لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ
۹

بسیار مقتدر و مهربان است. (۹)
is the Powerful, the Merciful. (9)



وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ

و (یاد آر) هنگامی که خدایت به موسی ندا کرد

So your Lord summoned Moses:



أَنِ اتِّي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

که اینک به سوی قوم ستمکار روی آور. (۱۰)

"Go to the wrongdoing folk, (10)



قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۚ أَلَا يَتَّقُونَ ﴿۱۱﴾

به سوی قوم ستمکار فرعون که آیا باز هم نمی خواهند خداترس و پرهیزگار شوند؟ (۱۱)
Pharaoh's folk! Will they not heed?" (11)

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿۱۲﴾

موسی عرض کرد: ای پروردگار، از آن می ترسم که فرعونیان سخت مرا تکذیب کنند. (۱۲)
He said: "My Lord, I fear they will reject me, (12)



وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي

و (از کفر آنها) دلتنگ شوم و عقدهٔ زبانم (به هدایت آنان) باز نگردد،
and my breast feels cramped while my tongue will not loosen up.

۱۳

فَارْسِلْ إِلَىٰ هَارُونَ

پس به سوی هارون (برادرم) فرست (تا با من به رسالت روانه شود). (۱۳)
Send for Aaron! (13)



وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ

و بر من از این قوم (قبطی) گناهی است
They have [laid] a charge against me;

فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ

۱۴

که می ترسم به قتل رسانند. (۱۴)
so I fear they will kill me." (14)



قَالَ كَلَّا ۗ فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا ۙ

خدا به موسی فرمود: هرگز (مترس که شما را نمی کشند)، پس با برادرت هارون بدین معجزات
 He said; "Indeed not; let both of you go off with Our signs.

إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ ﴿١٥﴾

و آیات ما، به سوی آنان بروید که ما همه جا با شما هستیم و گفتار شما را می شنویم. (۱۵)
 We will be listening along with you. (15)



فَاتِيَا فِرْعَوْنَ

هر دو به اتفاق به جانب فرعون روید

Go to Pharaoh

فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۱۶

و بگوئید که ما رسول پروردگار جهانیم. (۱۶)

and say: 'We are messengers from the Lord of the Universe. (16)



أَنْتَ أَرْسِلْ مَعَنَا

با این پیام که طایفه بنی اسرائیل را
Send the Children of Israel

بَنِي إِسْرَائِيلَ ١٧

با ما (از مصر به فلسطین) بفرست. (۱۷)
off with us!' (17)



قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِيْنَا وَلِيدًا

فرعون گفت: تو نه آن کودکی که ما پروردیم

He said: "Did we not rear you as a child among us

۱۸

وَلَبِثْتَ فِيْنَا مِنْ عُمْرِكَ سِنِينَ

و سالها عمرت در نزد ما گذشت؟ (۱۸)

and you spent several years of your life with us? (18)



وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ

و آن فعل زشت (قتل نفس) از تو سر زد
Yet you committed the deed you did:

وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ

۱۹

و (به خدایی ما) کافر بودی؟ (۱۹)
You are so ungrateful!" (19)



قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ

موسی گفت: آری من چنین فعلی را مرتکب شدم (ولی نه بر عمد بلکه) در آن هنگام من

He said: "I did it while I was misguided. (20)

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ

(برای نجات سبطیان از ظلم قبطیان) به وادی حیرت سرگردان و از گمشدگان (دیار شما) بودم

I fled from you (all) because I feared you.



فَوَهَّبَ لِي رَبِّي حُكْمًا

(وکاری به قصد نجات مظلومی کردم به قتل خطایی منتهی شد). (۲۰) و آن گاه از ترس شما

Still my Lord has bestowed discretion on me

وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ۲۱

گریختم تا آنکه خدای من، مرا علم و حکمت عطا فرمود و از پیغمبران خود قرارداد. (۲۱)

and set me up as an emissary. (21)



وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ

و (بازگو) این که طایفه بنی اسرائیل را بنده خود کرده‌ای
Is this some favor you have shown me

أَنْ عَبَّدتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۲۲

این هم نعمتی است که منت آن بر من می‌نهی؟ (۲۲)
that you have enslaved the Children of Israel?" (22)



قَالَ فِرْعَوْنُ

باز فرعون به موسی گفت:

Pharaoh said:

وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ

۲۳

ربّ العالمین چیست؟ (۲۳)

"What is the Lord of the Universe?" (23)



قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

موسی جواب داد: خدای آسمانها و زمین است

He said: "The Lord of Heaven and Earth

وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ

و آنچه ما بین آنهاست، اگر به یقین باور دارید. (۲۴)

and whatever [lies] in between them, if you will be convinced." (24)

۲۵

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ وَالْأَتَسْتَمِعُونَ

فرعون روی به درباریانش کرد و گفت: آیا نمی شنوید (که این مرد چه دعوی بی دلیل می کند)؟

He said to those around him: "Aren't you listening?" (25)

۲۶

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ

(۲۵) موسی گفت: همان خدایی است که شما و پدران پیشین شما را بیافرید. (۲۶)

He said: "Your Lord and the Lord of your very first forefathers." (26)

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي

باز فرعون گفت: این رسولی که

He said: "Your messenger

أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ﴿٢٧﴾

به سوی شما به رسالت فرستاده شده، سخت دیوانه است. (۲۷)

who has been sent to you is crazy!" (27)



قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

باز موسی گفت: همان آفریننده مشرق و مغرب (و روز و شب) است

He said: "[He comes from] the Lord of the East and West,

وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ

و هر چه بین اینها موجود است، اگر شما (در قدرت حق) تعقل کنید. (۲۸)
and whatever lies in between them, if you know how to reason." (28)

قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتُ إِلَهًا غَيْرِي

باز فرعون گفت: اگر غیر من خدایی را بپرستی

He said: "If you should adopt any god besides me,

لَأَجْعَلَكَ مِنْ الْمَسْجُونِينَ

البته تو را به زندان خواهیم کشید. (۲۹)

I shall make you a prisoner." (29)



قَالَ أَوْلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾

موسی باز پاسخ داد: اگر هم حجت و معجزی (بر صدق دعوی خود) بر تو آورده باشم
 He said: "Even if I bring you something obvious?" (30)

قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣١﴾

(بازم به زندان کشی)؟ (۳۰) فرعون گفت: آن معجزه را بیار اگر راست می گویی؟ (۳۱)
 He said: "Bring it, if you are telling the truth!" (31)



فَالْقَىٰ عَصَاهُ

در آن موقع موسی عصای خود بیفکند

So he cast his staff down

فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

۳۲

که ناگاه ازدهایی عظیم پدیدار گشت. (۳۲)

and imagine, it was clearly a snake! (32)



وَنَزَعَ يَدَهُ

و نیز دست خود (از گریبان) بیرون آورد
He pulled out his hand [from his shirtfront],

فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ^ع ۳۳

که ناگاه سپید و رخشان به چشم بینندگان آشکار گردید. (۳۳)
and imagine, it was white to the spectators! (33)



قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ

فرعون رو به درباریانش کرد و گفت:
He told the councilmen around him:

إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ

این مرد ساحری بسیار ماهر و داناست. (۳۴)

"This is some clever magician (34)



يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ

که می خواهد بدین سحر و شعبده ها شما (مردم مصر) را
who wants to drive you out of your land

۳۵

بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ

از کشور خود آواره کند، حال شما چه می فرمایید؟ (۳۵)
through his magic. What do you order?" (35)



قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ

آنها به فرعون گفتند: او و برادرش را زمانی باز دار

They said: "Make him and his brother wait,

۳۶

وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

و افرادی را برای جمع کردن مردم در شهرها بفرست. (۳۶)

and send recruiters out into the cities (36)





يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ

تا ساحران ماهر زبر دست را (برای دفع او) نزدت حاضر آورند. (۳۷)
 who will bring you in every clever magician." (37)

فَجُمِعَ السَّاحِرَةُ

آن گاه ساحران را
 So the magicians were gathered



لِمِيقَاتٍ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٣٨﴾ وَقِيلَ لِلنَّاسِ

بر حسب وعده به روز معین حاضر ساختند. (۳۸) و مردم شهر را گفتند:
for the appointment on a certain day, (38) and the people were told:

هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ ﴿٣٩﴾

چه بهتر که همه در آن روز جمع باشید (تا واقعه را مشاهده کنید). (۳۹)
"Are you assembling (39)



لَعَلَّنَا نَتَّبِعَ السَّحَرَةَ

باشد که ما هم

so that we may follow the sorcerers

۴۰

إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ

اگر ساحران غالب شدند از آنان پیروی کنیم. (۴۰)

once they have won out?" (40)



فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ

و چون ساحران حضور فرعون آمدند با وی گفتند:

When the sorcerers came, they said to Pharaoh:

أَيْنَ لَنَا لَاجِرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿٤١﴾

آیا اگر (بر موسی) غالب آییم اجری خواهیم داشت؟ (۴۱)

"Will we have any payment if we are the winners?" (41)



قَالَ نَعَمْ

فرعون گفت: آری

He said: "Yes,

وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقْرَبِينَ ۚ

۴۲

البته علاوه بر اجر خدمت، از مقربان (درگاهم) نیز خواهید شد. (۴۲)

you will then become courtiers." (42)



قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ

(چون ساحران به معارضه حاضر شدند) موسیٰ به آنها گفت:

Moses told them:

۴۳

الْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ

اینک شما بساط سحر خود هر چه می‌خواهید به کار اندازید. (۴۳)

"Throw down whatever you are going to throw." (43)



فَالْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا

ساحران هم رسن و طنابها و چوبهای سحر خود را بیفکندند

So they threw their ropes and their staffs, and said:

بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ

و به عزت فرعون قسم یاد کردند که (بر موسی) البته غالب خواهیم شد. (۴۴)

"By Pharaoh's majesty, we will be the winners!" (44)



فَالْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ

در آن حال موسی عصای خود را بیفکند که ناگاه (ازدهایی عظیم شد و)
So Moses cast his staff, and imagine,

فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ٤٥

همه وسایل سحرانگیزی ساحران را به کام فرو می برد. (۴۵)
it swallowed up what they were shamming about! (45)



۴۶

فَالْقِيَّ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ

ساحران که این معجزه بدیدند (و قطعاً دانستند سحر نیست، پیش موسی)

The sorcerers dropped down on their knees; (46)

۴۷

قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

به سجده افتادند. (۴۶) گفتند: ما به خدای عالمیان ایمان آوردیم. (۴۷)

They said: "We believe in the Lord of the Universe, (47)





رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

پروردگار موسی و هارون. (۴۸)

the Lord of Moses and Aaron!" (48)

قَالَ ءَاٰمَنْتُمْ لَهٗ وَّقَبِلَ اَنْ ءَاذِنَ لَكُمْ ز

فرعون به ساحران گفت: چرا بی اجازه من ایمان به موسی آوردید؟

He said: "Have you believed in Him before I permit you to?"



إِنَّهُ وَ لَكَ بِيْرُكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمْ السِّحْرَ

همانا معلوم است که این استاد بزرگ شماست که شما را ساحری آموخته!

He is your chief who has taught you magic.

فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

پس به زودی کیفر خود را خواهید دید،

You will know!



لَا قَطِيعَنَّ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ

دست و پای شما را به اختلاف (دو طرف چپ و راست)

I'll cut your hands and feet off

۴۹

خِلَافٍ وَأَصْلَبِنَكُمْ أَجْمَعِينَ

قطع می‌کنم آن گاه همه را به دار می‌کشم. (۴۹)

on opposite sides and crucify you all!" (49)



قَالُوا لَا ضَيْرَ ز

ساحران گفتند: (از این دار و قتل به ما) هیچ زیانی نخواهد رسید
They said: "It won't hurt!"

إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿٥٠﴾

چون (بعد از مرگ) به سوی خدای خود باز می‌گردیم. (۵۰)
We will be sent home to our Lord; (50)



۱۲۷
إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا

ما از خدا امید آن داریم که به لطف خویش از گناهان ما درگذرد
we long for our Lord to forgive us our mistakes

ع
۵۱
أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ

چون اول ما به او ایمان آوردیم. (۵۱)
so we may be the first among believers." (51)



وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ

و ما به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه

We inspired Moses as follows:


أَنْ أَسْرِبَ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ

(از شهر مصر) بیرون بر، که شما را (فرعونیان) تعقیب خواهند کرد. (۵۲)

"Travel with My servants at night: you will be pursued!" (52)



فَارَسَلْ فِرْعَوْنَ

آن گاه فرعون،

Pharaoh sent

فِي الْمُدَائِنِ حَاشِرِينَ

۵۳

رسول برای جمع آوری لشکر به شهرها فرستاد. (۵۳)

recruiters into the cities: (53)



إِنَّ هَؤُلَاءِ

(و برای تبلیغات به آنها می‌گفتند که) همانا

Those are

لَشِرْذِمَةٍ قَلِيلُونَ ﴿٥٤﴾

طایفهٔ بنی‌اسرائیلِ عدهٔ خیلی هستند. (۵۴)

a few dissidents; (54)



۵۵

وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ

که ما را به خشم آورده‌اند. (۵۵)
they are agitating against us. (55)

۵۶

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ

و ما لشکری همه نیرومند و مسلح به اسلحه کاملیم. (۵۶)
We are completely forewarned." (56)



۵۷

فَاخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَ عِيُونٍ

پس (با وجود این همه دعوی‌ها) ما آنها را از باغهای مصفا با نهرهای آب روان بیرون کردیم. (۵۷)

Yet We drove them out of (their) gardens and springs, (57)

۵۸

وَ كُنُوزٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ

و نیز از گنج‌ها و ثروت‌ها و مقامات عالیة ریاست بیرون آوردیم (و به دریای هلاک افکندیم). (۵۸)

treasures and a splendid position. (58)



كَذٰلِكَ ۙ وَاوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ

آری این چنین کردیم و (قوم ضعیف) بنی اسرائیل را وارث آن شهر و دیارها و ثروت و مقامها
The same We let the Children of Israel fall heirs to. (59)

فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ

گردانیدیم. (۵۹) پس صبحگاه فرعونیان موسی و بنی اسرائیل را تعقیب کردند. (۶۰)
They followed after them at sunrise. (60)



فَلَمَّا تَرَاءَا الْجُمُعَاتِ قَالَ

چون دو لشکر روبرو شدند اصحاب موسی گفتند:

When both groups sighted each other,

أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرَكُونَ ﴿٦١﴾

اینک به دست فرعونیان خواهیم افتاد. (۶۱)

Moses' companions said: "We have been overtaken!" (61)





قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ

موسی گفت: هرگز چنین نیست، که خدا با من است و مرا به یقین
 He said: "Not at all! My Lord stands by me; He will guide me!" (62)

فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ

راهنمایی خواهد کرد. (۶۲) پس ما به موسی وحی کردیم
 So We inspired Moses as follows:



أَنْ أَضْرِبَ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ ۚ فَانْفَلَقَ

که عصای خود را به دریا (ی نیل) زن، چون زد، دریا شکافت
 "Strike the sea with your staff!" It opened up

فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ۖ

و آب هر قطعه دریا مانند کوهی بزرگ بر روی هم قرار گرفت. (۶۳)
 and each section was like a huge cliff. (63)



وَأَزَلَفْنَا ثَمَّ الْأُخْرَيْنَ ﴿٦٤﴾ وَأَنْجَيْنَا

و دیگران (یعنی فرعونیان) را (از پی بنی اسرائیل) به نزدیک دریا آوردیم. (۶۴)
We brought the others up next, (64) and saved

مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ وَأَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾

و موسی و کلیه همراهانش را به ساحل سلامت رسانیدیم. (۶۵)
Moses and all those who were with him. (65)



ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿٦٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ

آن گاه قوم دیگر همه را به دریا غرق کردیم. (۶۶) همانا در این هلاک فرعونیان،

Then We let the rest drown. (66) In that is a sign;

لَايَةٌ زِ وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾

آیت بزرگی (برای عبرت و موعظه مردم) بود لیکن اکثر خلق ایمان نیاوردند. (۶۷)

though most of them are not believers. (67)



وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾

و همانا خدای تو خدای بسیار مقتدر و مهربان است. (۶۸)
Yet your Lord is the Powerful, the Merciful. (68)

وَاقْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾

و (ای رسول) حکایت ابراهیم را بر امت بیان کن. (۶۹)
Recite Abraham's news to them (69)



إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ

هنگامی که با پدر (یعنی عمو، زیرا پدران پیغمبران همه موحدند)
when he said to his father

۷۰

وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ

و با قومش گفت: شما چه معبودی را می پرستید؟ (۷۰)
and his folk: "What are you worshipping?" (70)



قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا

جواب دادند که ما بتهایی را می پرستیم
They said; "We worship idols,

۷۱

فَنَظَلُّ لَهَا عَاكِفِينَ

و ثابت بر پرستش آنها بوده و هستیم. (۷۱)
and are utterly devoted to them." (71)



۷۲

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ

ابراهیم گفت: آیا هرگاه این بت‌های جماد را بخوانید سخن شما را می‌شنوند؟ (۷۲)

He said; "Do they hear you when you call, (72)

۷۳

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ

یا به حال شما هیچ سود و زیانی توانند داشت؟ (۷۳)

or benefit you or harm [you]?" (73)



قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا

گفتند: (نه) بلکه ما پدران خود را بر پرستش این بتان

They said: "Rather we found

كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

یافته ایم (و هر چند جماد بی اثری باشند می پرستیم). (۷۴)

our fathers doing so." (74)



۷۵

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ

ابراهیم باز به آنها گفت: آیا می دانید که این بت‌هایی که شما مردم اینک
He said: "Have you ever seen what you have been worshipping, (75)

۷۶

أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ

می‌پرستید، (۷۵) و پدران شما از قدیم می‌پرستیدند، (۷۶)
you and your forefathers, the oldtimers? (76)



فَانَّهُمْ عَدُوِّي

آنها مرا دشمن اند

They are enemies of mine,



إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ

جز خدای یکتای عالمیان؟ (۷۷)

except for the Lord of the Universe (77)



۷۸

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ

همان خدایی که مرا بیافرید و به راه راستم هدایت می فرماید. (۷۸)

Who created me. He guides me (78)

۷۹

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ

و همان خدایی که مرا غذا می دهد و سیراب می گرداند. (۷۹)

and is the One Who feeds me and gives me something to drink. (79)

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿٨٠﴾

و چون بیمار شوم مرا شفا می دهد. (۸۰) و همان خدایی که مرا (از حیات
Whenever I fall ill, He heals me; (80) [He is] the One

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿٨١﴾

چند روزه دنیا) می میراند و سپس (به حیات ابدی آخرت) زنده می گرداند. (۸۱)
Who will cause me to die, then bring me back to life [again]; (81) ۹

وَالَّذِي أَطْمَعُ

و همان خدایی که
the One Who I expect

۸۲

أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ

چشم امید دارم که روز جزا، گناهم را ببامزد. (۸۲)

will forgive me my mistakes on the Day for Repayment. (82)



رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا

بارالها، مرا حکمی ببخش (بر این مشرکان فرمانروایی ده)

My Lord, bestow discretion on me

۸۳

وَأَحِقِّنِي بِالصَّالِحِينَ

و به (رسل و) بندگان صالح خود ملحق ساز. (۸۳)

and acquaint me with honorable men! (83)



وَاجْعَلْ لِي

و نامم

Grant me

۸۴

لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ

بر زبان اقوام آتیه نیکو، و سختم دلپذیر گردان. (۸۴)

a truthful reputation among later men. (84)



۱۵۵

وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ

و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار ده. (۸۵)

Grant me an inheritance in the Garden of Bliss. (85)

۱۵۶

وَاعْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ وَكَانَ مِنَ الضَّالِّينَ

و از پدرم (یعنی عمویم) درگذر، که وی سخت از گمراهان است. (۸۶)

Forgive my father even though he may be [considered] lost. (86)



وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ﴿٨٧﴾

و روزی که خلق را از قبرها برانگیزند در آن روز مرا رسوا (و هلاک) مگردان. (۸۷)
Do not disgrace me on the day they are raised up again, (87)

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾

آن روزی که مال و فرزندان (هیچ به حال انسان) سود نبخشند. (۸۸)
the day when neither wealth nor children will benefit anyone (88)

۱۹

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

و تنها آن کس سود برد که با دل با اخلاص پاک (از شرک و ریب و ریا) به
 except for someone who comes to God with a sound heart." (89)

۹۰

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ

درگاه خدا آید. (۸۹) و بهشت را به اهل تقوا نزدیک سازند. (۹۰)

The Garden will be brought near for those who did their duty; (90) 

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ ﴿٩١﴾

و دوزخ را بر گمراهان پدیدار گردانند. (۹۱)
 while Hades will appear for the straying (91)

وَقِيلَ لَهُمْ آيِنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٩٢﴾

و به کافران گفته شود: بتهایی که پرستش می کردید به کجا شدند؟ (۹۲)
 and someone will say to them: "Where is whatever you were serving (92)"

مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ

آن بتهایی که به جای خدا پرستش می کردید آیا می توانند به شما اینک
instead of God? Will they support you,

أَوْ يَنْتَصِرُونَ

یاری کرده یا از جانب خود دفاع کنند؟ (۹۳)
or even support themselves? (93)



۹۴

فَكُبِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ

در آن حال کافران و معبودان باطلشان هم به رو در آتش دوزخ افتند. (۹۴)
So they will be toppled into it, both they and the misguided ones, (94)

۹۵

وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ

و نیز تمام سپاه شیطان (به جهنم در آیند). (۹۵)
as well as all of Diabolis' armies. (95)



قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ﴿٩٦﴾

و در دوزخ به مجادله و خصومت با یکدیگر گویند: (۹۶)

They will say while they quarrel away in it: (96)

تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٩٧﴾

به خدا قسم که ما در گمراهی بسیار آشکاری بودیم. (۹۷)

"By God, we were in such obvious error (97)



۹۸ اِذْ نُسَوِّبُكُمْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

که شما (بتها) را مانند خدای عالمیان پرستش می کردیم. (۹۸)

when we put you (all) on the same footing as the Lord of the Universe!

۹۹ وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ

و ما را گمراه نکردند جز قوم تبهکار. (۹۹)

(98) It has only been criminals who have led us astray; (99)



فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ



پس (در این روز سخت) نه شفیع داریم، (۱۰۰)

We have no intercessors (100)

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ



و نه یک دوست صمیمی (که از ما حمایتی کند). (۱۰۱)

nor any bosom friend. (101)



فَلَوْ أَن لَنَا كَرَّةٌ

ای کاش که بار دیگر (به دنیا) باز می گشتیم

If we only had another chance,

فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

۱۰۲

تا (به خدای یگانه) ایمان می آوردیم. (۱۰۲)

we would then be believers!" (102)



إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ز

همانا در این (ندامت گمراهان) آیت عبرتی (برای دیگران) بود

In that is a sign,

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۱۰۳

و لیک اکثر مردم باز ایمان نیاوردند. (۱۰۳)

though most of them are not believers. (103)



وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۱۰۴

و همانا خدای تو خدای بسیار مقتدر و مهربان است. (۱۰۴)

Yet your Lord is the Powerful, the Merciful. (104)

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ۱۰۵

قوم نوح هم پیغمبران خدا را تکذیب کردند. (۱۰۵)

Noah's folk rejected the emissaries (105)



إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ

هنگامی که مهربان برادرشان، نوح آنها را گفت:
when their brother Noah said to them:

الْأَتَّقُونَ

۱۰۶

آیا خداترس و متقی نمی شوید؟ (۱۰۶)
"Will you not do your duty? (106)





إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

من برای شما بسیار رسولی امین (و خیرخواهی مشفق) هستم. (۱۰۷)

I am a trustworthy messenger for you, (107)



فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

پس از خدا بترسید و راه طاعت من پیش گیرید. (۱۰۸)

so heed God and obey me. (108)



وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

و من اجری از شما برای رسالت نمی خواهم
I do not ask you for any payment for it;

۱۰۹

إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و چشم پاداش، جز به خدای عالم ندارم. (۱۰۹)

my payment only concerns the Lord of the Universe. (109)



فَاتَّقُوا اللَّهَ

پس از خدا بترسید
So heed God

وَاطِيعُونَ

و راه طاعت من پیش گیرید. (۱۱۰)
and obey me!" (110)



قَالُوا أَنْتُمْ مِنْ لَدُنْكَ

قوم نوح (از کبر و خود پرستی) پاسخ دادند که ما چگونه به تو ایمان آوریم

They said: "Are we to believe in you

وَاتَّبَعَكَ الْأَرْدَلُونَ

در صورتی که پیروانت معدودی مردم خوار و فرومایه‌اند؟ (۱۱۱)

while the meanest people follow you?" (111)



قَالَ وَمَا عَلِمِي

نوح گفت: مرا چه کار که افعال

He said: "What knowledge



بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و احوال پیروانم را بدانم (که از طبقه عالی یا دانی‌اند)؟ (۱۱۲)

do I have about what they have been doing? (112)



إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي

اگر شعور و معرفتی دارید بدانید که حساب کار آنها

Their reckoning only concerns my Lord,

لَوْ تَشْعُرُونَ

بر کسی جز خدای من نخواهد بود. (۱۱۳)

if you will only notice it! (113)



وَمَا أَنَا بِظَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٤﴾

و من هرگز مؤمنان به حق را (هر چند فقیر باشند) از خود نرانم. (۱۱۴)
I do not intend to drive any believers away; (114)

إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١١٥﴾

من جز آنکه مردم را اندرز کنم و از خدا بترسانم وظیفه‌ای ندارم. (۱۱۵)
I am merely a plain warner." (115)



قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهِ يَا نُوحُ

باز قوم نوح گفتند: ای نوح،

They said: "If you do not stop, Noah,

لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ

اگر ترک این سخنان نگویی سخت سنگسار می شوی. (۱۱۶)

you will become an outcast." (116)





قَالَ رَبِّ إِنِّي قَوْمِي كَذِبُونَ

نوح گفت: پروردگارا، قوم من سخت مرا تکذیب کردند. (۱۱۷)

He said: "My Lord, my folk have rejected me! (117)"

فَاَفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا

پس بین من و آنها حکم فرما و به ما گشایشی عطا کن،

Decide the case between me and them,



وَنَجِّنِي

و من و مؤمنانی که
and rescue me

۱۱۸ **وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ**

با من همراهند از شر قوم نجات ده. (۱۱۸)

as well as any believers who may be with me!" (118)



فَأَنْجَيْنَاهُ

ما هم او را با همه آنان
So We rescued him

۱۱۹

وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ

که در آن کشتی انبوه در آمدند به ساحل سلامت رساندیم. (۱۱۹)
and anyone who was with him on the laden ship. (119)



ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ ﴿١٢٠﴾

آن گاه باقی آن قوم سرکش را پس از نجات نوح و مؤمنان به دریا غرق کردیم. (۱۲۰)

Then later on We let those who remained drown. (120)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ز

همانا در این (نجات مؤمنان و هلاک کافران قوم نوح) آیت عبرتی است،

In that is a sign,



۱۲۱

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

و اکثرشان ایمان نیاوردند. (۱۲۱)

though most of them are not believers. (121)

۱۲۲

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و همانا خدای تو خدای بسیار مقتدر و مهربان است. (۱۲۲)

Yet your Lord is the Powerful, the Merciful! (122)



كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ

۱۲۳

قوم عاد نیز رسولان خدا را تکذیب کردند. (۱۲۳)

'Ad rejected the emissaries (123)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ

۱۲۴

هنگامی که مهربان برادرشان، هود به آنها گفت: آیا متقی و خداترس نمی شوید؟ (۱۲۴)

when their brother Hud said to them: "Will you not do your duty? (124)

۱۲۵

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

من برای شما پیغمبری بسیار (خیرخواه و) امینم. (۱۲۵)

I am a trustworthy messenger for you, (125)

۱۲۶

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

پس از خدا بترسید و راه اطاعت من پیش گیرید. (۱۲۶)

so heed God and obey me. (126)



وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

و من از شما اجری برای رسالت نمی خواهم
I do not ask you for any payment for it;

۱۲۷

إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و چشم پاداش جز به خدای عالم ندارم. (۱۲۷)
my payment only concerns the Lord of the Universe. (127)



أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ

آیا به هر سرزمین مرتفع، عمارت و کاخ بنا می کنید،
 "Are you building a sign on every hill just



ءَايَةً تَعْبَثُونَ

برای آنکه به بازی عالم سرگرم شوید (و از یاد خدا غافل مانید)؟ (۱۲۸)
 so you may fool around? (128)



وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ

و عمارت‌های محکم بنا می‌کنید
Are you setting up workshops

لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ

۱۲۹

به امید آنکه در آن عمارات عمر ابد کنید؟ (۱۲۹)
so that you may live for ever? (129)



۱۳۰

وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ

و چون (به ظلم و بیداد خلق) دست گشایید کمال قساوت و خشم، کار بندید؟ (۱۳۰)
Whenever you assault anyone, you pounce on them like bullies. (130)

۱۳۱

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید. (۱۳۱)
So heed God and obey me; (131)



وَ اتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ

و بترسید از آن خدایی که شما را به آنچه خود می‌دانید
heed the One Who has furnished you

۱۳۲

بِمَا تَعْلَمُونَ

مدد و قوت بخشید. (۱۳۲)
with whatever you know. (132)



۱۳۳ اَمَدَّكُمْ بِاَنْعَامٍ وَبَنِينَ

مدد بخشید شما را به خلق چهار پایان و فرزندان. (۱۳۳)
He has furnished you with livestock and children, (133)

۱۳۴ وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

و نیز مدد بخشید شما را به ایجاد باغها و چشمه های آب. (۱۳۴)
gardens and springs. (134)



إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ

همانا من از عذاب

Yet I fear

عَذَابِ يَوْمٍ عَظِيمٍ

۱۳۵

روز بزرگ قیامت بر شما می ترسم. (۱۳۵)

the torment of a terrible day for you!" (135)



قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ

گفتند: تو این همه وعظ و نصیحت کنی

They said: "It's all the same for us

أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ

یا هیچ نکنی به حال ما یکسان است. (۱۳۶)

whether you lecture [us] or are not lecturing. (136)



۱۳۷ **إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ**

این (مسأله حیات و موت کار طبیعت و خوی جهان و) سرنوشت همه پیشینیان است. (۱۳۷)

This is only a fabrication [made up] by primitive men; (137)

۱۳۸ **وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ**

و ما هرگز (پس از مرگ، دیگر زنده نمی شویم و هرگز قیامت و ثواب و) عقابی نخواهیم داشت. (۱۳۸)

we are not going to be punished. (138)



فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ

الغرض، رسول حق را تکذیب کردند و ما هم آنان را هلاک گردانیدیم، همانا

They rejected him, so We wiped them out. In that is

۱۳۹

لَايَةٍ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

در این (هلاک قوم عاد) آیت عبرتی است، و بیشتر آنها ایمان نیاوردند. (۱۳۹)

a sign; though most of them are not believers. (139)



وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٤٠﴾

و همانا خدای تو بسیار مقتدر و مهربان است. (۱۴۰)
 Yet your Lord is the Powerful, the Merciful!" (140)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٤١﴾

قوم ثمود نیز رسولان خدا را تکذیب کردند. (۱۴۱)
 Thamud rejected the emissaries (141)



إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ

هنگامی که مهربان برادرشان، صالح به آنها گفت:

when their brother Salih said to them:

۱۴۲

أَلَا تَتَّقُونَ

آیا متقی و خداترس نمی شوید؟ (۱۴۲)

"Will you not do your duty? (142)"



۱۴۳

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

من برای شما پیغمبری بسیار امین (و خیرخواه) هستم. (۱۴۳)
I am a trustworthy messenger for you, (143)

۱۴۴

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

پس از خدا بترسید و راه طاعت من پیش گیرید. (۱۴۴)
So heed God and obey me. (144)



وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

و من اجری از شما برای رسالت نمی خواهم
I do not ask you for any payment for it;

۱۴۵

إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و چشم پاداش، جز به خدای عالم ندارم. (۱۴۵)

my payment only concerns the Lord of the Universe. (145)



أَتُركُونَ

آیا (تصور می‌کنید که تا ابد)
"Will you be left securely

فِي مَا هُنَا ءَامِنِينَ ۱۴۶

ایمن از مرگ در این ناز و نعمت دنیا خواهید ماند؟ (۱۴۶)
in what you have here, (146)



فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

۱۴۷

(گمان دارید) در این باغهای باصفا و چشمه‌های آب گوارا، (۱۴۷)
among gardens and springs, (147)

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ

۱۴۸

و مزارع و کشتزار و نخل و آن شکوفه‌های لطیف و زیبایش (همیشه زنده‌اید)؟ (۱۴۸)
crops and datepalms with slender stalks? (148)



وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ

و خیال می‌کنید دائم در این عماراتی که در کوهستان (و بیلاقات)
You skillfully hew houses

۱۴۹

بِیوتًا فَارِهِينَ

با کمال دقت بنا کرده‌اید به آسایش تعیش می‌کنید؟ (۱۴۹)
out of the mountains. (149)



۱۵۰

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

پس از خدا بترسید و راه اطاعت من پیش گیرید. (۱۵۰)

Heed God and obey me; (150)

۱۵۱

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ

و از رفتار رؤسای مسرف و ستمگر پیروی نکنید. (۱۵۱)

do not obey the order of extravagant people (151)



الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ

که آن مردم در زمین همه گونه فساد می کنند

who corrupt [things] on earth

۱۵۲

وَلَا يَصْلِحُونَ

و هیچ گونه به اصلاح (حال خلق) نمی پردازند. (۱۵۲)

and never reform." (152)



قَالُوا إِنَّمَا

قوم صالح گفتند:

They said:

أَنْتَ مِنَ الْمُسْحَرِينَ ﴿١٥٣﴾

به یقین تو را سحر کرده‌اند (که دعوی نبوت می‌کنی). (۱۵۳)

"You are merely someone deluded; (153)



مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ

(و گرنه) تو هم مثل ما بشری بیش نیستی،

you are only a human being like ourselves! Bring a sign

۱۵۴

إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

اگر راست می گویی معجزی بیاور. (۱۵۴)

if you are so truthful." (154)



قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ

صالح گفت: این ناقه (معجزه من) است،

He said: "This is a she-camel. She has drinking rights

وَلَكُمْ شِرْبٌ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

آب نهر را روزی ناقه بنوشد و روزی شما بنوشید. (۱۵۵)

while you have drinking rights on a fixed day. (155)



وَلَا تَمْسُوْهَا بِسُوْءٍ

و هرگز سوء قصدی بر ناقه مکنید

Do not touch her so that you hurt her,

۱۵۶

فِيَاخُذْكُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ

که به عذاب روزی بزرگ و سخت گرفتار خواهید شد. (۱۵۶)

lest the torment of an awful day may seize you!" (156)





فَعَقَرُوهَا فَاصْبِحُوا نَادِمِينَ

قوم صالح، ناقه را پی کردند، سپس از کار خود پشیمان شدند. (۱۵۷)

Yet they mistreated her, and one morning they felt remorseful about it.

فَاخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

آن گاه عذاب موعود آنان را درگرفت (و هلاک گردیدند). همانا در هلاک این قوم،

(157) Torment overtook them. In that is a sign,



۱۵۸

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

آیت عبرتی (برای دیگران) بود، و اکثر آنها ایمان نیاوردند. (۱۵۸)
 though most of them are not believers. (158)

۱۵۹

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و همانا خدای تو بسیار مقتدر و مهربان است. (۱۵۹)
 Yet your Lord is the Powerful, the Merciful. (159)



كَذَّبَتْ قَوْمَ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ

۱۶۰

قوم لوط نیز پیغمبران خدا را تکذیب کردند. (۱۶۰) هنگامی که

Lot's folk rejected the emissaries (160)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ

۱۶۱

مهربان برادر آنها، لوط به آنان گفت: آیا خدا ترس و پرهیزکار نمی شوید؟ (۱۶۱)

when their brother Lot said to them: "Will you not do your duty? (161)"

۱۶۲
 اِنِّیْ لَکُمْ رَسُوْلٌ اٰمِیْنٌ

من برای شما پیغمبری بسیار امین (و خیرخواه) هستم. (۱۶۲)
 I am a trustworthy messenger [sent] to you, (162)

۱۶۳
 فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِیْعُوْنِیْ

از خدا بترسید و راه طاعت من پیش گیرید. (۱۶۳)
 So heed God and obey me. (163)



وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

و من از شما اجری برای رسالت خود نمی خواهم

I do not ask you any payment for it;

۱۶۴

إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و چشم پاداش جز به خدای عالم ندارم. (۱۶۴)

my payment only concerns the Lord of the Universe. (164)



۱۶۵

آتَاتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ

آیا از میان خلائق، عمل زشت منکر را با مردان انجام می‌دهید؟ (۱۶۵)
Do you approach males among [everyone in] the Universe, (165)

و تَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ

و زنان را که خدا همسر شما آفریده
and ignore any wives whom your Lord



مِنْ أَزْوَاجِكُمْ

رها می‌کنید؟

has created for you?

۱۶۶

بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ

آری شما بسیار مردم متعدی نابکاری هستید. (۱۶۶)

Indeed you are such defiant folk!" (166)



قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهِ يَا لُوطُ

قوم در جواب گفتند: ای لوط، اگر از این پس دست از این نهی

They said; "If you do not stop, Lot,

لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ

۱۶۷

و منع بر نداری از شهر رانده خواهی شد. (۱۶۷)

you will become an exile."; (167)



۱۶۸

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ

لوط باز گفت: من خود دشمن این کار زشت شما هستم. (۱۶۸)

He said: "I am someone who detests your behavior. (168)

۱۶۹

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

بارالها، من و اهل بیتم را از (عقاب) این عمل زشت قوم، نجات بخش. (۱۶۹)

My Lord, save me and my family from what they are doing!" (169) 

فَنَجَّيْنَاهُ

ما هم او را

So We saved him

وَأَهْلَهُ وَاجْمَعِينَ ۱۷۰

با همه اهل بیتش نجات دادیم. (۱۷۰)

and his whole family (170)



۱۷۱

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

جز پیرزنی که (زن لوط بود و) در اهل عذاب باقی ماند. (۱۷۱)
 except for an old woman among those who stayed behind. (171)

۱۷۲

ثُمَّ دَمَرْنَا الْأُخْرِينَ

آن گاه (جز اهل بیت لوط) دیگران را به خاک هلاک نشانیدیم. (۱۷۲)
 Then We annihilated the rest; (172)



وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ^ز

و آنها را به سنگباران عذاب که باران بسیار سختی

We sent a rain down upon them.

فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ^{۱۷۳}

بر سر بیم داده شدگان (بدکار) است هلاک ساختیم. (۱۷۳)

How evil was such a rain for those who had been warned! (173)



إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً ز

همانا در این هلاک قوم لوط نیز آیت عبرتی (برای دیگران) بود،

In that is a sign;

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۱۷۴

و اکثر آنها ایمان نیاوردند. (۱۷۴)

though most of them are not believers. (174)



وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۱۷۵

و همانا خدای تو بسیار مقتدر و مهربان است. (۱۷۵)
 Yet your Lord is the Powerful, the Merciful. (175)

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْفُجَّارِ الْمُرْسَلِينَ ۱۷۶

اصحاب ایکه (یعنی امت شعیب) هم پیغمبران خدا را تکذیب کردند. (۱۷۶)
 The dwellers in the Forest rejected the emissaries (176)

إِذْ قَالَ لَهُمُّ شُعَيْبٌ

هنگامی که (رسولشان) شعیب به آنها گفت:
when Shu'ayb said to them:

۱۷۷

الْأَتَقُونَ

آیا خداترس و پرهیزکار نمی شوید؟ (۱۷۷)
"Will you not perform your duty? (177)



۱۷۸

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

من برای شما رسولی بسیار امین (و خیرخواه) هستم. (۱۷۸)

I am a trustworthy messenger [sent] to you, (178)

۱۷۹

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

از خدا بترسید و راه طاعت من پیش گیرید. (۱۷۹)

so heed God and obey me! (179)



وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

و من از شما هرگز اجر رسالت نمی خواهم
I do not ask you for any payment for it;

۱۸۰

إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و جز به خدای عالم به کسی چشم پاداش ندارم. (۱۸۰)
my payment only concerns the Lord of the Universe. (180)



أَوْفُوا الْكَيْلَ

پیمانہ را تمام بدهید
"Give full measure"

۱۸۱

وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ

و از کم فروشان مباشید. (۱۸۱)
and do not cause [people] any losses. (181)



وَزِنُوا

و (اجناس را)

Weigh

۱۸۲

بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ

با ترازوی درست بسنجید. (۱۸۲)

with honest scales; (182)



وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ

و آنچه به مردم می فروشید (تمام بدهید و) از وزن و پیمان کم نگذارید،
do not undersell people to cheat them of their things nor storm around

وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

۱۸۳

و در زمین به ظلم و فسادکاری برنخیزید. (۱۸۳)

the earth in order to spoil matters. XIX 160-183 POETS (26) (183)



وَ اتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ

و از خدایی که شما

Heed Him Who created you

۱۸۴

وَ الْجِبِلَّةَ الْأُولَى

و کفر پیشگان پیشین را آفریده بترسید (و خلاف امر او مکنید). (۱۸۴)

and the character of the earliest men." (184)



قَالُوا إِنَّمَا

قوم شعیب در پاسخ او گفتند:

They said:

أَنْتَ مِنَ الْمُسْحَرِينَ

تو را بی شک به سحر و شعبده مفتون کرده‌اند. (۱۸۵)

"You are merely someone bewitched. (185)



وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا

و تو جز آنکه بشری هستی مانند ما هیچ گونه مزیتی بر دیگران نداری.
You are only a human being like ourselves,

وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ

و ما تو را (در دعوت نبوت) دروغگو می‌پنداریم. (۱۸۶)
and we think you are a liar. (186)



فَاسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ

اگر راست می‌گویی (که پیغمبر خدایی) قطعه‌ای از آسمان را

Let a piece fall out of the sky on us

۱۸۷

إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

بر سر ما فرود آور (تا تصدیق تو کنیم). (۱۸۷)

if you are so truthful." (187)





قَالَ رَبِّيَ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ

شعیب گفت: خدای من بهتر بر (صدق دعوی من و کذب قول وزشتی) افعال شما
 He said: "My Lord is quite Aware of what you are doing" (188)

فَكَذَّبُوهُ

آگاه است. (۱۸۸) باز او را تکذیب کردند و به عذاب سخت روز سایه بان
 So they rejected him,



فَاخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمِ الظُّلَّةِ ج

(یعنی روزی که مردم از شدت گرما به سایه بانی پناه می بردند و باز، از گرمی هلاک می شدند)
and the torment of a gloomy day gripped them;

إِنَّهُ وَكَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۱۸۹

گرفتار شدند که عذاب آن روز بسیار بزرگ و سخت بود. (۱۸۹)
it was the torment of a terrible day! (189)



إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ز

همانا در این هلاک قوم شعیب نیز آیت عبرتی (برای دیگران) بود،

In that is a sign,

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۱۹۰

و اکثر آنها ایمان نیاوردند. (۱۹۰)

though most of them are not believers. (190)



وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۱۹۱

و همانا خدای تو بسیار مقتدر و مهربان است. (۱۹۱)
 Yet your Lord is the Powerful, the Merciful! (191)

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۹۲

و این قرآن به حقیقت از جانب خدای عالمیان نازل شده. (۱۹۲)
 It is a revelation from the Lord of the Universe. (192)



۱۹۳

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ

(جبرئیل) روح الامین (فرشته بزرگ خدا) آن را نازل گردانیده. (۱۹۳)

The Faithful Spirit has brought it down (193)

۱۹۴

عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ

و آن را بر قلب تو فرود آورده تا از عقاب خدا بترسانی. (۱۹۴)

or your heart, so you may be a warner (194)



۱۹۵

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ

به زبان عربی فصیح. (۱۹۵)

in a clear Arabic tongue. (195)

۱۹۶

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ

و (ذکر عظمت) این قرآن در کتب انبیاء پیشین مسطور است. (۱۹۶)

It [can be found] in the Psalms of early men. (196)



أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ

آیا این خود آیت و برهان روشنی (بر کافران) نیست

Do they not have a sign

۱۹۷

أَنْ يَعْلَمَهُ وُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ

که علماء بنی اسرائیل (از کتب انبیاء سلف) بر این قرآن آگاهند؟ (۱۹۷)

since the scholars from the Children of Israel knew about it? (197)

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ

و اگر ما این کتاب (عربی) را

If We had sent it down

عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ

۱۹۸

بر بعض مردم عجم نازل می گردانیدیم. (۱۹۸)

to some outsider (198)



فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ

وآن رسول آن را (به زبان تازی) بر عجم ها قرائت می کرد آنان ایمان نمی آوردند (به این عذر که
and he had read it to them,

۱۹۹

مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ

قرآن چون به زبان ما نیست ما فهم آن نکرده و اعجاز آن را درک نمی کنیم، اما شما قوم عرب با چه
they would never have believed in it. (199)



كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ

عذرايمان نمى آوريد؟ (۱۹۹) ما اين قرآن را اين چنين در دل

Despite that,

فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ

۲۰۰

تبهاران گذرانديم (و بر آنها به اين كتاب اتمام حجت كرديم). (۲۰۰)

We slip it into criminals' hearts. (200)



لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ

اما به این قرآن ایمان نمی آورند

They will not believe in it

حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

۲۰۱

تا عذاب دردناک را مشاهده کنند. (۲۰۱)

until they see painful torment; (201)



فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً

که به ناگاه آن عذاب

it will come upon them suddenly

۲۰۲

وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

که سخت از آن غافلند به آنها فرا رسد. (۲۰۲)

while they least suspect it, (202)



۲۰۳

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ

و آن کافران گویند: آیا بر ما مهلتی منظور می شود (تا زمانی از عذاب بیاساییم؟) (۲۰۳)
and so they say: "Will we be allowed to wait?" (203)

۲۰۴

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

آیا (اکنون که هنگام عذابشان نیست از تمسخر،) عذاب و انتقام ما را به تعجیل می طلبند؟ (۲۰۴)
Are they trying to hasten up Our torment? (204)

۲۰۵

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ

چه خواهی دید اگر ما چند سالی آنها را در دنیا متنعم سازیم. (۲۰۵)

Have you seen how We let them enjoy themselves for years, (205)

۲۰۶

ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ

سپس به عذابی که بر آنان وعده شده یکسر هلاک شوند. (۲۰۶)

then whatever they have been threatened with, comes to them? (206)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ

آیا بهره‌ای که از مال دنیا داشتند
Whatever they have been enjoying

۲۰۷

مَا كَانُوا يَمْتَعُونَ

هیچ آنها را از عذاب خواهد رهانید؟ (۲۰۷)
will never benefit them. (207)



وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ

و ما اهل هيچ دیاری را تا رسولانی به هدایت

We never wipe out any town

إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ

۲۰۸

و اتمام حجت بر آنها نفرستادیم هلاک نکردیم. (۲۰۸)

unless it has had its warners (208)



ذِكْرِي وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٠٩﴾

این (هلاک بدان) پند و موعظه است (برای خوبان) و ما هرگز به کسی ستم نکردیم. (۲۰۹)
to remind [it]. We have never been unfair. (209)

وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ﴿٢١٠﴾

و این قرآن را شیاطین فرود نیاوردند (بلکه جبرئیل امین، فرشته خدا نازل ساخته). (۲۱۰)
The devils did not descend with it: (210)



وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ

نه هرگز این گونه سخنان از شیاطین شایسته است و نه قدرت (بر نزول آن) دارند. (۲۱۱)
 it does not suit them to, nor can they manage it; (211)



إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ

که البته آنها از استماع وحی الهی معزولند. (۲۱۲)
 they are too withdrawn to even hear it. (212)



فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

پس با خدای یکتا، احدی را معبود مخوان

Do not appeal to any other deity along with God,

فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذِّبِينَ

وگرنه از اهل عذاب خواهی شد. (۲۱۳)

lest you be tormented. (213)



وَأَنْذِرْ

و (نخست)

Warn

عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ۲۱۴

خویشان نزدیکت را (از خدا) بترسان. (۲۱۴)

your nearest kinfolk; (214)



وَ اَخْفِضْ جَنَاحَكَ

و پرو و بال مرحمت
lower your [protecting] wing

۲۱۵

لِمَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

بر تمام پیروان با ایمانت به تواضع بگستران. (۲۱۵)
over any believers who may follow you. (215)



فَإِنْ عَصَوْكَ

و هر گاه قوم فرمانت را مخالفت کردند

If they are opposed to you,

فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ

به آنها بگو: من خود از کردار (بد) شما بیزارم. (۲۱۶)

then SAY: "I am innocent of whatever you are doing." (216)



۲۱۷

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

و توکل بر آن خدای مقتدر مهربان کن. (۲۱۷)

Rely on the Powerful, the Merciful (217)

۲۱۸

الَّذِي يَرُؤُكَ حِينَ تَقُومُ

آن خدایی که چون (از شوقش به نماز) برخیزی تو را می‌نگرد. (۲۱۸)

Who sees you whenever you stand up [in prayer] (218)



وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّاجِدِينَ ﴿٢١٩﴾

و به انتقال تو در اهل سجود (و به دوران تحوّل از اصلاّب شامخه به ارحام مطهره) آگاه است.
 as well as how you move around among those who are bowing down

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٢٢٠﴾

(۲۱۹) که او خدای شنوا و دانا (به گفتار و کردار خلق) است. (۲۲۰)
 on their knees. (219) He is the Alert, Aware. (220)



هَلْ أَنْبِئُكُمْ

(بگو به کافران که) آیا می خواهید

Shall I tell you

عَلَىٰ مَنْ تَنْزَلُ الشَّيَاطِينُ

۲۲۱

من شما را آگاه سازم که شیاطین بر چه کسان نازل می شوند؟ (۲۲۱)

who are the ones on whom the devils descend? (221)



تَنْزَلُ عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٍ ﴿٢٢٢﴾

شیاطین بر هر شخص بسیار دروغگوی بدکار نازل می شوند. (۲۲۲) گوش فرامی دهند و اکثرشان

They come down upon every bluffing sinner. (222)

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿٢٢٣﴾

دروغ می گویند (و اندک راست آنها هم برای شبهه کاری و فساد و فتنه انگیزی است). (۲۲۳)

They even try to eavesdrop, since most of them are liars; (223)



وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ

و شاعران (یاوه سرای کفار، مانند عالمان بی عمل و مدعیان باطل) را، مردم جاهل گمراه
and poets are followed around by them bewildered. (224)

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ

پیروی کنند. (۲۲۴) آیا ننگری که آنها خود به هر وادی حیرت سرگشته اند؟ (۲۲۵)
Do you not see them staggering around in every river-valley? (225)

۲۲۶

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ

و آنها بسیار سخنان می گویند که یکی را عمل نمی کنند. (۲۲۶)
They preach what they never practise, (226)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا

مگر آن شاعران که اهل ایمان و نیکوکار بوده
except for those who believe



وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ

و یاد خدا بسیار کردند و برای انتقام از (هجو و) ستمی که در حق آنها (و سایر مؤمنان)
and perform honorable deeds, remember God often,

كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا

شده (به نظم سخن و طبع شعر) به انتقام و دفاع برخاستند (و به شمشیرزبان با دشمنان)
and protect themselves once they have been wronged.

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا

دین جهاد کردند، آنان را مؤمنان پیروی خواهند کرد) و آنان که ظلم و ستم کردند به زودی

Those who do wrong shall know what sort of upsets



أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

خواهند دانست که به چه کیفرگاهی و دوزخ انتقامی، بازگشت می کنند. (۲۲۷)

they may expect to face! (227)



﴿ سُورَةُ النَّمْلِ ﴾

سوره ۲۷ - ۹۳ آیه - مکی

Surah 27: (An-Naml)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



طس ج تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْءَانِ

طس (شاید اشاره به سوره است یا نام خدا یا رسول است که به آن قسم یاد شده) این آیات

T.S. These are verses from the Qur'an

وَكِتَابٍ مُّبِينٍ

قرآن (بزرگ) و کتاب روشن خداست. (۱)

and a clear Book (1)





هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ

که هدایت و بشارت برای اهل ایمان است. (۲)

[offered] for guidance and as good news for believers (2)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

آنان که نماز به پا می دارند

who keep up prayer



وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

و زکات می دهند
and pay the welfare tax

وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يوقِنُونَ ۳

و کاملاً به عالم آخرت یقین دارند. (۳)
while they feel certain about the Hereafter. (3)



إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ

همانا آنان که ایمان به عالم آخرت نمی آورند (پس از اتمام حجت) ما
We have made those who do not believe in the Hereafter feel their

زِينَا لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَعمَهُونَ

اعمالشان را در نظرشان جلوه دهیم و آنها به کلی گمراه و سرگشته شوند. (۴)
actions are attractive even though they are (really) groping around. (4)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ

آنها را هم (در دنیا) سخت‌ترین عذاب است

Those are the ones who will have the worst torment,

وَهُمْ فِي الْأُخْرَةِ هُمُ الْآخِسِرُونَ

و هم در آخرت زیانکارترین خلقند. (۵)

while they will be the greatest losers in the Hereafter. (5)



وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْءَانَ

و تو (ای رسول ما) آیات قرآن (عظیم)

Yet you have been proffered the Qur'an

مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ٦

از جانب خدایی حکیم و دانا (به وحی) بر تو القا می شود. (۶)

by Someone [Who is] Wise, Aware. (6)



إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا

(به یاد آر) هنگامی که موسی (وقت بیچارگی و درد حمل زن، در آن بیابان سرد و ظلمت نوری

Thus Moses told his household: "I've glimpsed a fire.

سَأَتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ

دید و) به اهل بیتش گفت: مرا آتشی به نظر آمد، می روم تا از آن به زودی خبری برایتان بیاورم

I'll bring you some news from it,



أَوْ آتِيكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ

یا شاید برای گرم شدن شما
or I'll bring you a glowing ember



لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ

شعله‌ای برگیرم. (۷)
so that you may warm yourselves." (7)



فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ

چون موسی بدان آتش نزدیک شد

When he came up to it, [a voice] called out:

أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ

او را ندا کردند که آن کس را که در (اشتیاق) این آتش است

"Blessed be Whoever is in the Fire,



وَمَنْ حَوْلَهَا

یا به گردش (در طلب) است (مقدمش به لطف حق) مبارک باد،
and whoever stands around it!

وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۸

و منزه است خدا که آفرینندهٔ عوالم بی حد و نهایت است. (۸)
Glory be to God, Lord of the Universe! (8)



يَا مُوسَىٰ إِنَّهُ

(از آن آتش شجر طور ندا آمد) ای موسی،

O Moses,

أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٩

همانا منم خدای مقتدر دانای درستکار. (۹)

I am God, the Powerful, the Wise. (9)



وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ

و تو عصای خود بیفکن، چون موسی (عصا افکند و ناگاه) بر آن نگریست که به جنبش
 Throw down your staff!" When he saw it wriggling as if it were

كَأَنَّهَا جَانٌ وَلِيٌّ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ

و هیجان در آمد چنان که ازدهایی مهیب گردید، رو به فرار نهاد و دیگر واپس نگردید،
 possessed, he turned his back on it and tried to run away.

يَا مُوسَى لَا تَخَفْ

(در آن حال بدو خطاب شد) ای موسی مترس

"Moses, do not fear."

إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ ﴿١٠﴾

که پیغمبران در حضور من هرگز نمی ترسند. (۱۰)

Emissaries do not fear in My presence (10)



إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا

(ستمکاران عالم باید بترسند) مگر کسی که ستم و کار بد کند، آن گاه به زودی (توبه کند و) نیکویی
 except for someone who has done wrong. Then, should he change to

بَعْدَ سَوْءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۱)

را جایگزین بدی کند (تا خدایش ببخشد) که همانا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۱)
 something finer after [committing] evil, I will be Forgiving, Merciful. (11)

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ

و دست در گریبان خود کن تا چون بیرون آید نه از مرض (برص،

Put your hand into your shirtfront;

بَيِّضَاءَ مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ

بلکه از نظر لطف خدا، سپید و روشن (چون ماه تابان) گردد،

it will come out white without [causing any] evil.



فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ

آن گاه بانه معجز الهی (یعنی عصا وید بیضا و ملخ و قمل و ضفدع و خون و شکافتن دریا و کوه

There will be nine signs for Pharaoh and his folk.

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ۱۲

و طوفان) به سوی فرعون و قومش که گروهی فاسق و نابکارند به رسالت روانه شو. (۱۲)

They have been such immoral people." (12)



فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً

اما چون آیات و معجزات ما به طور روشن به آنها ارائه شد

When Our signs came to them so plain to see,

۱۳

قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

گفتند که این سحر بودنش روشن و آشکار است. (۱۳)

they said: "This is sheer magic!" (13)



وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست
They repudiated them wrongfully and haughtily even though

أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا

باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند،
they themselves felt certain about it.



فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ

پس بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد

See how the outcome was

عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ



به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند)؟ (۱۴)

for mischief makers. (14)



وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا

و همانا ما به داود و سلیمان مقام دانشی بزرگ عطا کردیم
We gave David and Solomon knowledge,

وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

و گفتند: ستایش و سپاس خدای را
and they both said:



فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ

که ما را بر بسیاری از بندگان با ایمانش

"Praise be to God, Who has made us excel



مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

فضیلت و برتری عطا فرمود. (۱۵)

over many of His believing servants." (15)



وَوَرِثَ سُلَيْمِنُ دَاوُودَ وَقَالَ

و سلیمان وارث (ملک) داود شد (و مقام سلطنت و خلافت یافت) و گفت:
Solomon fell heir to David, and he said:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ

ای مردم، ما را زبان مرغان آموختند

"O mankind, we have been taught the speech of birds,



وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ز

و از هر گونه نعمت عطا کردند،
and been given [a little] of everything.

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ۱۶

این همان فضل و بخشش آشکار است. (۱۶)
This is manifest bounty." (16)



وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ

و سپاهیان سلیمان از گروه جن و انس و مرغان

His armies of sprites, men and birds were drawn up

وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ۱۷

(هر سپاهی تحت فرمان رئیس خود) در رکابش گرد آورده شدند. (۱۷)

before Solomon; they paraded forth (17)



حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ

تا چون به وادی مورچگان رسید،

until, when they came to the Valley of the Ants,

قَالَتْ نَمْلَةٌ

موری (یعنی پیشوای موران) گفت:

an ant said:



يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ

ای موران، همه به خانه‌های خود اندر روید
 "O ants , enter your dwellings lest Solomon

لَا يَحِطُّ بِكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ

مبادا سلیمان و سپاهیانش
 and his armies crush you





وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

ندانسته شما را پایمال کند. (۱۸)
without even noticing it." (18)

فَتَبَسَّ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا

سلیمان از گفتار مور بخندید
So he smiled, laughing at its statement,



وَقَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِي

و گفتم: پروردگارا، مرا

and said: "My Lord, arrange things for me

اَنْ اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي اَنْعَمْتَ عَلَيَّ

توفیق شکر نعمت خود که به من و پدر و مادر من عطا فرمودی

so I shall act grateful for Your favor which You have bestowed upon me

وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ

عنایت فرما
and my parents,

وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ

و مرا به عمل صالح خالصی که تو بیپسندی موفق بدار
and so I may act so honorably that You will approve of it.



وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ

و مرا به لطف و رحمت خود

Admit me through Your mercy

۱۹

فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

در صف بندگان خاص شایسته‌ات داخل گردان. (۱۹)

among Your honorable servants." (19)



وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ

و سلیمان (از میان سپاه خود) جویای حال مرغان شد (هدهد را در مجمع مرغان
He inspected the birds,

فَقَالَ مَا لِي لَأَ أَرَى الْهُدَّ

نیافت، به رئیس مرغان) گفت: هدهد کجا شد که به حضور نمی بینمش؟
and said: "What's wrong with me that I do not see the plover?"



أَمْ كَانَتْ مِنَ الْغَائِبِينَ ﴿٢٠﴾

بلکہ (بی اجازہ من) غیبت کردہ است؟ (۲۰)

Or could it be absent? (20)

لَأُعَذِّبَنَّهُ وَعَذَابًا شَدِيدًا

(چنانچہ بدون عذربی رخصت غایب شدہ) همانا اورا بہ عذابی سخت معذب گردانم

I shall punish it severely



أَوْ لَا أَذْبَحْنَهُ وَ

یا آنکه سرش از تن جدا کنم
or slaughter it,

أَوْ لِيَأْتِنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٢١﴾

یا که (برای غیبتش) دلیلی روشن (و عذری صحیح) بیاورد. (۲۱)
unless it brings me some clear authority." (21)



فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ

پس از اندک مکثی، هدهد حاضر شد
It was not long in coming, and said:

فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تَحِطْ بِهِ

و گفت: من به چیزی که تو از آن (در جهان) آگاه نشده‌ای خبر یافتم
"I have just acquired some information you have not picked up,



وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَا

و از مُلک سبا، تو را خبری راست
for I bring you reliable news



بِنَبَاٍ يَقِينٍ

و مهمم آوردم. (۲۲)
from Sheba. (22)



إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ

همانا (در آن ملک) زنی را یافتم که بر مردم آن کشور پادشاهی داشت و به آن زن هرگونه دولت

I found a woman ruling over them, and she has been given

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ

و نعمت (و زینت امور دنیوی) عطا شده بود و (علاوه بر اینها) تخت با عظمتی داشت. (۲۳)

everything and has a splendid throne. (23)



وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا

آن زن را با تمام رعیتش یافتم
I found both her and her people

يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ

که به جای خدا، خورشید را می پرستیدند
bowing down on their knees to the sun instead of to God [Alone].

وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ

و شیطان اعمال زشت آنان را در نظرشان زیبا جلوه داده و آنها را
Satan has made their actions seem attractive to them,

عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾

به کلی از راه خدا باز داشته و آنها هم به حق، راه یافته نیستند. (۲۴)
and diverted them from the [proper] Way. They are not guided (24)

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي

تا خدای را که (نور او) در آسمان و زمین،

so they do not bow down on their knees before God,

يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

هر پنهان (در ظلمت عدم) را به عرصه ظهور آورد

Who brings forth what is concealed in Heaven and Earth,



وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ

و بر نهان و آشکار شما آگاه است
and knows anything you hide

وَمَا تُعْلِنُونَ

پرستش نکنند. (۲۵)
as well as anything you display. (25)



اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

در صورتی که خدای یکتا که جز او هیچ خدایی نیست پروردگار
 God, there is no deity except Him,

هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

۲۶



عرش با عظمت (و ملک بی نهایت) است (و تنها سزاوار پرستش اوست). (۲۶)
 Lord of the splendid Throne! (26)



قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ

سليمان هدهد را گفت: بايد تحقيق كنيم

He said: "We shall see

أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

تا صدق و كذب سخت را دريابيم. (۲۷)

whether you have been truthful or are a liar. (27)



۲۹۹
اِذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَاَلْقِهٖ اِلَيْهِمْ ثُمَّ

اینک نامه مرا ببر و به سوی آنان بیفکن

Take this letter of mine and deliver it to them.

تَوَلَّ عَنْهُمْ فَاَنْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ
۲۸

و از نزد آنها باز شو آن گاه بنگر تا پاسخ چه می دهند. (۲۸)

Then leave them, and see what [answer] they send back." (28)



قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُو

(بلقیس رو به رجال دربارش کرد و) گفت:

She said: "councilmen,

إِنِّي الْقِيَ إِلَى كِتَابٍ كَرِيمٍ

ای رجال کشور، نامه بزرگی به من رسیده است. (۲۹)

an important letter has been delivered to me. (29)



إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ

که آن نامه از جانب سلیمان

It is from Solomon and it [reads]:

وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و عنوانش به نام خدای بخشندهٔ مهربان است. (۳۰)

"In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!" (30)





الْأَتَعْلُوا عَلَيَّ وَاتُونِي مُسْلِمِينَ ٤

(و بعد چنین نگاشته) که بر من برتری مجوید و تسلیم امر من شوید. (۳۱)

Do not act haughtily towards me, and come to me committed to [live

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُو

آن گاه گفت: ای رجال کشور،

at] peace." (31) She said: "Councilmen,



أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ

شما به کار من رأی دهید که من تاکنون

give me your opinion concerning my affair: I have

فَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونَ

بی حضور شما به هیچ کار تصمیم نگرفته‌ام. (۳۲)

never settled any matter unless you were present with me." (32)



قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةٍ

رجال ملک به او اظهار داشتند که ما دارای نیروی کامل

They said: "We possess strength

وَأَوْلُوا بَأْسٍ شَدِيدٍ

و مردان جنگجوی مقتدری هستیم،

and can be extremely violent,



وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ

لیکن اختیار با شما،

while authority rests with you;

فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ

۳۳

تا به فکر روشن چه دستور فرمایی. (۳۳)

so attend to whatever you will command." (33)



قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ

بلقیس گفت: پادشاهان

She said: "Whenever

إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا

چون به دیاری حمله آرند آن کشور را ویران سازند

any kings enter a town and plunder it,



وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةَ

و عزیزترین اشخاص مملکت را ذلیل ترین افراد گیرند

they turn the most important men among its people into the lowest.

و كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

و رسم و سیاستشان بر این کار خواهد بود. (۳۴)

Thus they act. (34)



وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ

و (صلاح این است که) حال من هدیه‌ای بر آنان بفرستم

I am sending them a gift and shall be watching

فَنَاطِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ

تا ببینم فرستادگانم از جانب سلیمان پاسخ چگونه باز می‌آرند. (۳۵)

for whatever the emissaries bring back." (35)



فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ

چون فرستاده بلقیس حضور سلیمان رسید (به هدیه او اعتنایی نکرد)

When it reached Solomon,

قَالَ أَتُمِدُّونَنِي بِمَالٍ

گفت: شما خواهید که مرا به مال دنیا مدد کنید؟

he said: "Will you furnish me with wealth?"



۳۱۰
ج

فَمَا ءَاتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا ءَاتَكُم

آنچه خدا به من (از ملک و مال بی شمار) عطا فرموده بسیار بهتر از این مختصر هدیه

What God has given me is better than what He has given you;

۳۶

بَلْ أَنْتُمْ بِهِدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ

شماست که به شما داده، بلکه شما مردم دنیا خود بدین هدایا شاد می شوید. (۳۶)

nevertheless you seem quite happy with your gift. (36)



أَرْجِعْ إِلَيْهِمْ

ای فرستادهٔ بلقیسیان (با هدایا) به سوی آنان باز شو که ما

Go back to them,

فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا

با لشکری بی‌شمار که هیچ با آن مقاومت نتوانند کرد بر آنها خواهیم آمد

for We shall come to them with armies they can never resist.



وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً

و آنها را با ذلت و خواری از آن ملک بیرون می‌کنیم
We shall expel them from it just like the meanest people,

۳۷

وَهُمْ صَاغِرُونَ

(مگر آنکه به دین توحید و خداپرستی بگردند). (۳۷)
and they will be humiliated." (37)



قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَأْتِينِي

آن گاه سلیمان گفت: ای بزرگان دربار، کدام یک از شما تخت بلقیس را پیش از آنکه تسلیم

He said: "Councilman, which of you will bring me her throne

۳۸

بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ

امر من شوند خواهد آورد؟ (تا چون اعجاز مرا مشاهده کند از روی ایمان تسلیم شود). (۳۸)

before they come to me committed to [live at] peace?" (38)



قَالَ عَفْرَيْتُ مِنْ الْجِنِّ أَنَا

(از آن میان) عفرتی از جن گفتم: من پیش از آنکه

An imp among the sprites said: "I'll bring it

ءَاتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ

تو از جایگاه (قضاوت) خود برخیزی آن را به حضورت آورم

to you before you even rise up from your place.





وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ

و من بر آوردن تخت او قادر و امینم. (۳۹)

I am strong enough to be entrusted with it." (39)

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ

آن کس که به علمی از کتاب الهی دانا بود (یعنی آصف بن برخیا یا خضر

Someone who had some knowledge about the Book said;



أَنَا آتِيكَ بِهِ

که دارای اسم اعظم و علم غیب بود) گفت که من

"I shall bring you it

قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ ج

پیش از آنکه چشم برهم زنی، تخت را بدین جا آرم (و همان دم حاضر نمود)،

in the twinkling of an eye!"



فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ وَ

چون سلیمان سریر را نزد خود مشاهده کرد

When he saw it set before him,

قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي

گفت: این توانایی از فضل خدای من است

he said: "This is some of my Lord's bounty,



لِيَبْلُوَنِي ۖ أَشْكُرَ أَمْ أَكْفُرُ

تا مرا بیازماید که (نعمتش را) شکر می‌گویم یا کفران می‌کنم،
so He may test me whether I am thankful or thankless.

وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ

و هر که شکر کند شکر به نفع خویش کرده

Anyone who is thankful gives thanks only on his own behalf,



وَمَنْ كَفَرَ

و هر که کفران کند همانا خدا
while with anyone who is thankless,

فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ

۴۰

(از شکر خلق) بی نیاز و (بر کافر هم به لطف عمیم) کریم است. (۴۰)
well my Lord is Transcendent, Generous." (40)



قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي

آن گاه سلیمان گفت: تخت او را (به تغییر شکل و هیأت) بر او ناشناس
 He said: "Disguise her throne for her; let us see whether

أَمْ تَكُونِ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٤١﴾

گردانید تا بنگریم که وی سریر خود را خواهد شناخت یا نه. (۴۱)
 she is guided or is one of those who are not guided." (41)



فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ

هنگامی که بلقیس آمد از او پرسیدند که عرش تو چنین است؟
When she came, someone said: "Is your throne like this?"

قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ

وی گفت: گویا همین است
She said: "It seems to be similar."



وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا

و ما از این پیش بدین امور دانا
(We were given knowledge before she was,

وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ۴۲

و تسلیم (امر خدا) بودیم. (۴۲)
and have become Muslims). (42)



۳۲۳
وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ

و او را پرستش غیر خدا (مانند آفتاب و سایر اجرام علوی، از خدایپرستی) باز
What she had been worshipping instead of God distracted her;

۴۳
إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ

داشته و از فرقه کافران مشرک به شمار بود. (۴۳)
she belonged to disbelieving folk. (43)



قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ

آن گاه او را گفتند که در ساحت این قصر داخل شو،
Someone (else) said to her: "Enter the hall."

فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً

وی چون کوشک را مشاهده کرد (از فرط صفا و تلالؤ) پنداشت که لجةً آبی است
When she saw it, she reckoned it was a pool [of water]



وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا ج

و جامه از ساقهای پا برگرفت،

and [tucked up her skirt and] bared the calves of her legs.

قَالَ إِنَّهُ صَرَحٌ مَمْرَدٌ مِنْ قَوَارِيرِ ط

سلیمان گفت: این قصری است از آبگینه صاف،

He said: "It is a hall paved with glass slabs."



قَالَتْ رَبِّ انِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاَسْلَمْتُ

بلقیس گفت: بار الهها، من سخت بر نفس خویش ستم کردم و اینک
She said: "My Lord, how I have wronged myself! I commit myself

مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

با (رسول تو) سلیمان تسلیم فرمان یکتا پروردگار عالمیان گردیدم. (۴۴)
peacefully, along with Solomon, to God, Lord of the Universe!" (44)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ

و همانا ما به قوم ثمود،

We sent Thamud their brother

أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ

برادرشان صالح را به رسالت فرستادیم که خدای یکتا را پرستید،

Salih: [who said]: "Worship God [Alone]!"



فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾

پس قوم بر دو فرقه شدند (یک فرقه مؤمن و دیگر کافر) و با هم به خصمه و جدال

Nonetheless they became two quarreling factions. (45)

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ

می‌پرداختند. (۴۵) صالح گفت: ای قوم، چرا پیش از نکوکاری

He said: "My people, why do you hasten towards evil



قَبْلَ الْحُسْنَةِ لَوْ لَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ

به بدکاری می شتابید؟ چرا (از کردار زشت) استغفار به درگاه خدا نمی کنید
rather than something fine? If you only sought forgiveness from God,

لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

۴۶

تا شاید مورد عفو و رحمت واقع شوید؟ (۴۶)
you might find some mercy." (46)



قَالُوا أَطِيرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ

آن کافران گفتند: ما به وجود تو و پیروانت فال بد می زنیم (که ظهور تو اسباب رنج و خصومت
They said: "Shall we take it as an omen from you and from someone

قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ

و عذاب و شومی حال ما شده است). صالح گفت: این فال بد شما نزد خدا (محققاً معلوم) است
who is with you?" He said; "Your fate depends on God; in fact,



بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ

بلکه شما گرفتار امتحان و ابتلا شده‌اید (و خود موجب گرفتاریتان هستید). (۴۷)
you are a folk who will be tested." (47)

وَ كَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةٌ رَهْطٍ

و در شهرستان قوم صالح نه (نفر از رؤسای) قبیله بودند
There was a gang of nine persons in the city



يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ

که دائم در زمین به فتنه و فساد می پرداختند
who caused trouble on earth

وَلَا يُصْلِحُونَ

۴۸

و هرگز قدمی به صلاح (خلق) بر نمی داشتند. (۴۸)
and never improved matters. (48)



قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَ

آن رؤسای مفسد (به قوم صالح) گفتند که شما هم قسم شوید
They said: "Let's all swear by God that we shall catch him

وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ

که با هم شبیخون زنیم و شبانه صالح را به قتل برسانیم،
and his family some night. Then we shall tell his next of kin:



مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ

آن گاه به وارث او همه شهادت خواهیم داد که ما در مکان ارتکاب قتل (او)
 'We did not witness the slaughter of his family.



وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

(و) اهلش حاضر نبودیم و البته ما راستگوییم. (۴۹)
 "We are telling the truth!" (49)



وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا

و آن کافران (در قتل صالح) مکر و حيله به کار بردند و ما هم آنها را
They plotted away while We plotted too,

وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

۵۰

از جایی که هیچ نمی فهمیدند به کیفر مکرشان رسانیدیم. (۵۰)
and they did not even notice it. (50)



فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِهِمْ

بنگر که پایان مکرشان چه شد؟

See what was the outcome of their plotting!

أَنَا دَمَرْنَا هُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ

عاقبت ما همه آنان را بستگانشان هلاک کردیم. (۵۱)

We annihilated them and their folk completely! (51)



فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا

این است خانه‌های بی صاحب ایشان که چون ظلم کردند همه ویران شد
Those used to be their houses –[now] empty because of the wrong

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

و در این کار برای دانایان آیت عبرت است. (۵۲)

they had committed! In that is a sign for folk who know. (52)



وَ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

و (از آن قوم) اهل ایمان را که پرهیزکار و خدا ترس بودند

We saved the ones who believed

وَ كَانُوا يَتَّقُونَ

۵۳

همه را (از عذاب) نجات دادیم. (۵۳)
and had been doing their duty. (53)



وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ

و (پیغمبر خود) لوط را فرستادیم وقتی که به قوم خود گفت: آیا شما با آنکه

When Lot told his folk: "Do you indulge

أَتَاتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ

بصیرت (به زشتی عمل خود) دارید باز مرتکب چنین کار منکری می شوید؟ (۵۴)

in sexual misconduct with your eyes open?" (54)



أَإِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ

آیا شما با مردان شهوترانی کرده و زنان را ترک می‌گویید؟
Do you approach men passionately instead of women?

۵۵

دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

بلکه شما بسیار مردم جهالت پیشه و گمراهی هستید. (۵۵)
Indeed you are folk who act out of ignorance!" (55)





Negareh Asan



easy.reading.quran



negareh.asan

negarehasanpub



www.negareh-asan.ir

نِگارِش
آسان